

## حزب پان ایرانیست

### چگونگی تشکیل حزب پان ایرانیست:

اواخر سده هیجدهم به بعد، جنبشهای ناسیونالیستی در اروپا پا گرفت و سیاستمداران پیشوند "پان" را بر نام قوم، نژاد و دین خود اضافه کردند و هدفشان گردآوردن مردم هم نژاد یا هم زبان و یا هم دین به نام یک ملت یا امت یا نژاد، در یک قدرت ملی یا دولت بود، که به سه دسته تقسیم می شوند:

- ۱- جنبش "پان ملی" که عامل عمده ایجاد آن حس ملیت است.
- ۲- جنبش "پان دینی" و مذهبی برای استوار ساختن روابط ملل و اقوام هم کیش.
- ۳- جنبشهای "پان جغرافیایی" که منظورشان حفظ کشورهای بوده است که از نظر جغرافیایی منافع مشترک دارند.

پان ایرانیستها در گروه اول قرار می گیرند، یعنی آنکه پیرو مسلک پان ایرانیسم به معنی "وحدت اقوام یا سرزمینهای ایرانی" هستند و کاملتر اینکه پان ایرانیسم جنبشی است که وحدت و یگانگی همه ایرانیان در میهن بزرگ آنان را خواهان است.

### زمینه ها و چگونگی شکل گیری حزب پان ایرانیست:

در پی اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، در ۸ شهریور ۱۳۲۰ و با ورود نیروهای متجاوز روس، عده ای از دانش آموزان همانند پرویز صف یاری، فرید سیاح، خداداد فرمانفرمایان، ناصر مافندی، محمدرضا عاملی تهرانی، علینقی عالیخانی، ابوالقاسم پورهایمی، مهدی عبده و محسن پزشکپور و بهره مند به مقابله با تجاوزگرایان پرداختند.

اینها ابتدا در قالب یک انجمن فعالیت و افراد را جذب می کردند که در ۱۵ شهریور ۱۳۲۵ علیرضا رئیس یکی از افراد انجمن در هنگام ساختن مواد منفجره کشته می شود و برای پاس غذا و آیینی برگزار می شود و پزشکپور متنی با نام "فرمان رئیس" می نویسد که در حقیقت پیمان نامه ای مابین افراد حزب (انجمن) محسوب میشود.

کار تشکیلاتی و منسجم حزب دقیقاً از تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۲۶ آغاز گردید. عملیات مقدماتی بر علیه استعمار منجر به پدید آمدن حزب پان ایرانیست بر پایه مکتب پان ایرانیسم در بهمن ۱۳۳۰ گردید که به قول خودشان: "دیگر زمان فرا رسیده بود که... رستاخیز در شکل مبارزاتی حزبی رسالت خود را در پیشگاه نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران ایفا نماید."

حزب در سال ۱۳۴۱ از اصول شش گانه شاه به صورت مشروط حمایت و دفاع کرد و بعد توسط پاکروان (رئیس ساواک) پزشکپور با شاه ملاقات کرد و منشور سربلندی حزب منتشر شد.

سیاست مستقل ملی، ایجاد صنایع سنگین و ذوب آهن که توسط شاه مطرح شده بود نیز از طرف حزب حمایت شد.

حزب سالگرد انقلاب سفید را جشن می گرفت و برای همین شوراهای مشورتی جوانان و محلات را تشکیل داد و در همین ایام تبلیغات فراوانی در خصوص شاهنشاهی ایران زمین به راه انداخت.

پس از کنگره پنجم حزب، تصمیم گرفته شد حزب در سنگر پارلمان نیز به کوشش پردازد و در این راستا حزب ۱۸ نامزد خود را اعلام کرد و با شعار " پارلمان باید سنگر گسترش ناسیونالیسم ایران باشد. " دارای پنج نماینده در مجلس شد.

در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ شاه طی جلسه‌ای با اعضای رهبران سیاسی، از آنها خواست که همه آنها در قالب حزب واحد رستاخیز و تحت رهبری هویدا ادغام شوند و شاه سه اصل :

۱- اعتقاد به نظام شاهنشاهی

۲- ایمان به قانون قانون اساسی

۳- اعتقاد به اصول انقلاب شاه و مردم

را مطرح ساخت. مخالفت حزب با این کار به جایی نرسید و موقتاً حزب در ۱۳ اسفند ۱۳۵۳ انحلال یافت. در سال ۱۳۵۷ پزشکپور با اظهار نارضایتی در مورد حزب رستاخیز مجدداً حزب را احیاء کرد و در واقع نقش مخالف را در دولت و مجلس بازی کرد و در همین ایام حزب ارتباط تنگاتنگی با آیت‌الله شریعتمداری برقرار کرد.

با فرار شاه، حزب بحث درباره نظام مشروطه سلطنتی و قانون اساسی سال ۱۳۸۵ و متمم آن و مسئله کمونیستها و تجزیه ایران و... را کنار گذاشت و اعلام همبستگی با امام خمینی را در پیش گرفت. اما در سال ۵۹ با شرکت گروه‌های دیگر که قصد کودتا بر علیه نظام جمهوری اسلامی را داشتند، همکاری نمود. با لو رفتن جریان، افراد حزب و پزشکپور از ایران فرار کردند و در خارج حزب را رهبری نمودند. سرانجام در سال ۱۳۷۰ با ورود رهبر حزب به ایران مجدداً فعالیت حزب در ایران شروع شد.

## ساختار و تشکیلات حزب پان‌ایرانیست :

### ۱- مرامنامه و اساسنامه حزب :

حزب پان‌ایرانیست فاقد مرامنامه حزبی بوده و این مسئله در مورد آنها به نحو دیگری عنوان میشود، زیرا حزب پان‌ایرانیست هسته مرکزی و تشکل یک نهضت اجتماعی و یا بهتر بگوییم یک رستاخیز ملی است... وجه مشترک پیروان این رستاخیز شناسایی اصول ناسیونالیسم و ایران زمین اعلام گردیده است. حزب دارای اساسنامه مدونی است که در ۲۳ بند و دوازده تبصره در تاریخ ۱۳۳۹/۱۱/۱۲ به تصویب دومین کنگره حزب رسیده است. ضمناً به اساسنامه یکبرگ " ضمیمه/اساسنامه حزب پان‌ایرانیست " اضافه شده است که در کنگره چهارم حزب پیشنهاد شده است.

### ۲- انشعابات حزب :

اولین انشعاب حزب با ورود دکتر منشی‌زاده به صحنه سیاست و تشکیل حزب « سومکا » ( سازمان وحدت ملی کارگران ایران ) آغاز شد و دومین انشعاب طرد عده‌ای از افراد حرفه‌ای بود. از این جمله گروهی بود که خود را « آوارگان پان‌ایرانیسم » می‌نامیدند. « امیر مربور » و « منصور افشار » در رأس این گروه بودند.

مهمترین انشعابی که در حزب رخ داد و منجر به پدید آمدن شکافی عمیق بین صفوف پان‌ایرانیستها گردید؛ جدایی داریوش فروهر که یکی از اعضای حزب و از یاران نزدیک پزشکپور بود؛ به گونه‌ای که غالب تاریخ نگاران و تحلیل‌گران سیاسی ناگزیر از بیان آن شدند.

انشعاب فوق در سال ۱۳۳۰، به دنبال عیان شدن اختلاف نظرهای شاه و مصدق و اختیارات فوق‌العاده‌ای که مصدق درخواست کرد و همچنین آغاز فعالیت « شبکهٔ بدامن » که زیر نظر سازمان سیا عمل می‌کرد؛ صورت گرفت. دیدگاههای سلیقه‌ای نیز از جمله مسائلی بود که به این جدایی شدت بخشید. اندکی بعد از انشعاب، داریوش فروهر حزب « ملت ایران » را بر بنیاد پان‌ایرانیزم شکل داد و بعد از این ایام چون فعالیتهای حزب پان‌ایرانیزم فروکش کرد، همه از حزب فروهر، به عنوان « پان‌ایران » یاد می‌کردند. بعدها فروهر برای اجتناب از مخلوط شدن این دو حزب، در کنگرهٔ سال ۱۳۴۰ عنوان پان‌ایرانیزم را از برنامه حزب ملت ایران حذف کرد.

آخرین انشعاب در حزب پان‌ایرانیست، جدایی فضل‌الله صدر بود که بر خلاف چهار نفر نماینده حزب در مجلس، به جدایی بحرین رای موافق داده بود و به دنبال آن از حزب اخراج گردید و در دی ماه ۱۳۴۹ موجودیت حزب « ایرانیان » را رسماً اعلام کرد و حسین تجدد، کریم جزایری و مهدی بهره‌مند به این حزب پیوستند. حسین تجدد در درگیری لفظی با پزشکپور در مجلس به خوبی عوامل جنبی انشعاب از حزب را روشن می‌کند:

« شما... مانند نازی های زمان هیتلر لباس می‌پوشید و به مانند آنها سلام میدهید، شما هنوز به مانند اس . اس های آلمان نازی گارد دارید ... شما سالهاست که عوامفریبی می‌کنید و تظاهر به میهن‌پرستی می‌کنید ... شما می‌خواهید با ۱۰ نفر و ۲۰ نفر، عنوان رهبری و سروری داشته باشید. »

### ۳- تشریفات حزب و شرایط عضویت و نحوهٔ ورود به حزب:

ورود به حزب به سادگی نبوده و داوطلب باید بعد از طی مراحل سمپاتی و هواداری و بعد از این که صداقت و وفاداری او برای کادر و مسئولین حزبی محرز گردید، ابتدا مدتی به عنوان عضو آزمایشی به سر می‌برد و بعد از سرفرازی به عضویت رسمی در می‌آید.

ورود به مرحلهٔ عضویت رسمی از مراحل حساس بوده و بقای آن نیز منوط به تأیید رهبری حزب یا نمایندهٔ اوست.

### ۴- مسایل انضباطی حزب:

رعایت اصول انضباط اندیشه‌ای و تشکیلاتی یکی از مهمترین وظایف و رسالتهای هر عضو حزب به‌شمار می‌رود. دکتر منصور نراقی - حسینی کیانزاد - بکتاش خمسه‌پور و فضل‌الله صدر از جمله کسانی بودند که به علت عدم رعایت مسایل انضباطی از حزب اخراج شدند.

### ۵- عناوین حزبی:

لفظ « سرور » و « پاینده ایران » از جمله عناوینی است که افراد حزب بیشتر از آنها بهره می‌گیرند.

در این مورد ( سرور ) پزشکپور می‌گوید:

« این کلمه به مفهوم پایان فرهنگ و دوران بندگی است، چون در فرهنگ اجتماعی ما متأسفانه رسم بر این شده بود که هر کس به خودش در برابر قدرت بالاتر مدام دم از بندگی می‌زد، پس سرور در برابر بنده بود که انسان فقط در برابر خداوند می‌بایست و می‌توانست بنده باشد، نه برابر هیچ مقام دیگر، پس هر کس در مسلک پان‌ایرانیست قرار می‌گرفت... او احساس می‌کرد که دیگر بندگی ندارد و سایرین را نیز از قید بندگی { باید } نجات دهد. »

در حقیقت باید گفت که این عبارت برای افراد حزب بار فکری خاصی دارد، به تعبیر دیگر، اگر عمیق‌تر به این عبارت بنگریم، عصاره، فلسفه و نظریات حزب پان‌ایرانیست را در آن نهفته می‌بینیم. واژه‌های رزمنده - کوشنده - سرباز و مبارز نیز از کلماتی است که افراد حزب همراهان خود را بدان می‌نامند.

#### ۶- نشان حزب:

نشان حزب " نشان مخالف " یا " عدم برابری " (  $\neq$  ) یکی از علایم ریاضی است. نشان مخالف از دو خط موازی و یک خط قاطع تشکیل شده است و در حقیقت بیان گویای استراتژی پان‌ایرانیست‌هاست. این نشان بسیار ساده انتخاب شده و به خوبی مفاهیم و خواسته‌های حزب و جنبش را بیان می‌کند.

پزشکپور می‌گوید:

« این نشان گویای آن است که ما خواستار نظم شکوهمند شاهنشاهی که نشانه وحدت تیره‌های نژاد ایرانی و نشانه همبستگی شاخه‌های نژادی و فرهنگی ملت ایران است؛ می‌باشیم و با هر گونه نفاق و پراکندگی و تجزیه در میان ایرانیان مخالف هستیم. »

#### ۷- درفش حزب:

پان‌ایرانیستها سه درفش دارند: درفش حزب - درفش گارد - درفش رهبری

#### ۸- گارد حزب:

پان‌ایرانیستها گاردی نسبتاً نیرومند، متشکل از جوانان و اعضای پرتوان حزب داشتند. در این گارد آقایان و زنان و دوشیزگان اونیفورم و کت و دامن مخصوص به تن می‌کردند و نشان گارد حزب را بر بازوان خود می‌بستند. این افراد آموزشهای متوسط رزمی می‌دیدند و در زد و خوردهای خیابانی حضوری فعال داشتند و هجوم و دفاعهای فیزیکی حزب را به ثمر می‌رساندند.

#### ۹- سلام حزبی:

در مراسم رسمی حزب، وقتی به عبارت " پاینده ایران " اشاره می‌شود، اعضای رسمی حزب بلافاصله بر می‌خیزند و دست راست خود را به سمت قلب می‌برند و بدین‌گونه باور قلبی خود به آرمانهای پان‌ایرانیزم نشان می‌دهند.

## ۱۰- اونیفورم:

یکی از تشریفات رایج دیگر در حزب، پوشیدن اونیفورم مخصوص خاکستری رنگ است که ناخودآگاه آدمی را به یاد سربازان موسولینی و هیتلر می‌اندازد.

## ۱۱- نیایش:

از دیگر مواردی که پان‌ایرانیستها در اجرای آن دقت و وسواس بسیار به خرج می‌دهند، نیایشهای حزبی است. نیایش شامل دو قسمت " سر آغاز " و " هفت پیمان " است. " سرآغاز " دعایی است که ابتدای هر جلسه رسمی خوانده می‌شود و متن آن را رهبر حزب ( پزشکپور ) در ۱۸ سالگی نوشته است؛ و " هفت پیمان " بخشی از آرمانهای جنبش است که در هفت محور نوشته شده و در پایان جلسات رسمی خوانده می‌شود و با فریادی بلند وفاداری خود را با بیان کلمه ما ابراز می‌کنند و پیمان می‌بندند که وفاداران جنبش باشند.

## ۱۲- ارگان انتشاراتی حزب:

حزب برای شناساندن خود و انتشار افکار و عقاید خود و جذب هواداران مختلف دست به انتشار روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مختلف در مقاطع گوناگون زده است. نشریات " ساسانی "، " ندای پان‌ایرانیسم "، " جوانان پان‌ایرانیسم " و " فردوسی " در سالهای پیش از ۱۳۳۳ و نشریه " پاینده باد ایران "، نشریه " ستاد ناسیونالیست‌های ایران زمینی " و روزنامه " خاک و خون " که مهمترین نشریه رسمی حزب بوده و منعکس کننده افکار ناسیونالیستی حزب بود. پیوستگی خاک و خون مفهوم نیا خاکی تاریخی و سیاسی و حقوقی ملت را توجیه می‌کرد. خون پایه نیروی انسانی، بنای ملت و میهن بود و خاک نیز سرزمینی نیا خاکی؛ از پیوند این دو، بنا به نظریات پان‌ایرانیستها، ملت و میهن شکل می‌گرفت. این روزنامه از سال ۴۵ تا ۱۱ فروردین سال ۴۹ که شماره فوق‌العاده آن به چاپ سپرده شد، منتشر می‌شد.

یکی از مهمترین نشریات خارج کشور؛ ماهنامه ناسیونالیسم است. اولین شماره این ماهنامه در سال ۳۹ در اروپا منتشر شد. نسل جوان و پندار از دیگر نشریات منتشره در خاک کشور بود و ماهنامه پیام ما نیز از آذر ۵۱ در انگلستان منتشر می‌شد.

## ۱۳- وابستگی مالی:

" نورالدین کیانوری " در مورد تامین هزینه‌های حزب پان‌ایرانیست می‌نویسد: « مسلم این است که اینها در آن زمان از یک جایی پول می‌گرفتند. » اما سرچشمه این کمکها راروشن نمی‌کند، در عوض " گازیوروسکی " به صراحت بیان می‌کند که: « به دستور مستقیم شاه از پشتیبانی مالی ساواک برخوردار بودند. »

## بنیادها و مبانی فکری حزب پان‌ایرانیست

### ۱- ماهیت فکری و اعتقادی حزب:

« گاز یورسکی ” حزب “ پان ایرانیست ” را « یک سازمان ملی گرای افراطی »، « مرموز و فوق ناسیونالیست »، « نیمه فاشیتی که با شکل‌های سنتی اقتدار، مانند سلطنت و روحانیت و طبقه زمین‌دار و هم با پدیده‌های امروزی تری از قبیل سرمایه‌داری، کمونیزم مخالف بود » معرفی می‌کند.

« پیتراوری ” نیز اینها را « دارای تمایلات افراطی ناسیونالیستی » می‌داند. “ محمدعلی کاتوزیان ” می‌نویسد که « این نهضت هم ضد اینگلیسی بود و هم ضد روس » و در جای دیگر « طرفداری از آلمان » را نیز به افکار و اعتقادات پان ایرانیست‌ها می‌افزاید.

« ریچارد کاتم ” پان ایرانیست را جنبشی می‌داند که برای نژاد اهمیت درجه اول قایل می‌شد. همچنین بر این باور بود که بینش یهود ستیزانه، ضد سرمایه‌داری، ضد کمونیستی و دعاوی گسترده امپریالیستی بر مناطق خارج از مرزهای کنونی ایران در این گروه سیاسی شباهت ناراحت کننده‌ای به اصول هیتلری داشته است.

اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا نیز حزب پان ایرانیست را یک حزب افراطی معرفی می‌کند که معتقد بودند ایران باید به مرزهای جغرافیایی سابقش برگردد و کلیه خارجیان از ایران خارج گردند و نفوذ خارجی از بین برود. خود پان ایرانیست‌ها چه می‌گویند:

اصول فکری پان ایرانیست‌ها در چهار مبحث زیر خلاصه می‌شود:

۱- اصول منطقی ۲- قدم به تاریخ اجتماعی ۳- منطق پدیده‌های اجتماعی ۴- مبانی پان ایرانیسم

به طور خلاصه و در شرح اصول بالا میتوان گفت که پان ایرانیست‌ها در دوره ایران باستان مجد و عظمت خاصی می‌بینند و معتقدند که در آن دوره ایران، « تاریخ پهناور و پرغروری » داشته است و تمام حکومت‌های سرزمین‌های ایران‌نشین به هم درآمیخته و زیر نظر یک حکومت بزرگتر بودند و همه تیره‌های نژادی ایران در کنار هم زندگی با افتخار، آزاد و سرافرازی داشته اند. لذا در آرزوی تجدد امپراتوری ایران باستان می‌باشند. بنا به گفته خودشان آنها خیلی زود و ساده به این مطلب پی بردند که، *ایران کنونی میهن حقیقی آنها نیست و ایرانیان کنونی هم تمام هم‌میهنان حقیقی آنها نیستند.* از اینرو شعار « **فلات ایران زیر یک پرچم** » را سر دادند، اما پس از مدتی دیدند که این شعار نیز جامع اهداف آنها نیست. در نتیجه این مطلب را یادآور شدند که « **تمام ایرانیان باید در میهن حقیقی خود در زیر یک درفش زندگی کنند.** »

از نظر پان ایرانیست‌ها، در مدت ۱۵۰ سال اخیر کشور ایران تجزیه گشته است و ایرانیان در قطعات جداگانه با رژیم‌های گوناگون زیست می‌کنند. و « *این زندگی توأم با تجزیه برای ایرانیان جز ننگ و مذلت چیزی در بر نداشته است.* » و لذا هرگز قراردادهای تحمیلی و تقسیم‌بندیهای ارضی و سیاسی سیاست‌های استعماری را به عنوان ملاک و ضوابط شناخت نژاد ایرانی نمی‌شناسند و تا تومار تاریخ استعمارزده یک قرن و نیم اخیر را در هم نیچند و آنچه را که حقوق مسلم نژاد ایرانی است و از سوی قدرتهای استعمارگر و متجاوز چپاول شده است نگیرند، دست از مبارزه

نمی‌کشند. از نظر آنها سمرقند، بخارا، خیوه، خوارزم، قفقاز، تاجیکستان و تمام جمهوری‌های آسیای میانه و چندین کشور دیگر (مثل بحرین) که در پهنای ایران فعلی هستند جزئی از ایران بزرگ هستند.

آنها افزون بر اینکه اتحاد این تیره‌ها را خواستارند، همچنان بر این امر نیز پای می‌فشارند که، در این سرزمین، آنها مصلحت یک قوم و جماعت باید حکومت کند و در دنیا خاک ایرانیان تنها به موجودیت منافع و مصالح یک ملت باید اندیشه شود، آنها فقط ملت ایران و بس. پان‌ایرانیست‌ها خارج از ملت در ورای مجموعه نژاد ایرانی و در نیاخاک، ایرانیان چیز دیگری نمی‌یابند و آنچه باید مهم به نظر رسد نژاد ایرانی است.

## ۲- دیدگاه پان‌ایرانیست‌ها نسبت به سیاست خارجی:

در این بعد، ملاک دوستی و مودت با کشورها در هماهنگی آنها « با مصالح و موجودیت و آرمانهای ملت » قرار دارد و هر گونه زورگویی و حکومت جابرانه ملتی بر ملتی دیگر را به شدت محکوم می‌کنند و در حقیقت هماهنگی با ملتهای جهان را بر اساس شناخت در حق مالکیت هر ملت به‌عنوان یک اصل مهم مد نظر دارد.

## ۳- دیدگاه پان‌ایرانیست‌ها نسبت به حکومت:

پان‌ایرانیست‌ها حکومت را « دقیق‌ترین فنون و تخصص‌ها » و یک دستگاه صلاحیت‌دار رهبری ملت می‌دانند که موظف است ملت را به سوی آرمانهایشان هدایت کند. به بیان دیگر آنها طرفدار حکومت مطلقه ملی توأم با اقتدار و آمریت محض‌اند.

## ۴- دیدگاه پان‌ایرانیست‌ها نسبت به جایگاه زن:

به نظر آنها بهترین مقام برای زنان مقام مادری آنهاست و برترین جایگاه نیز خانواده است که قوام آن پایدار است.

## ۵- دیدگاه پان‌ایرانیست‌ها نسبت به اقتصاد:

پان‌ایرانیست‌ها درباره اقتصاد، سیستم اقتصاد ملی را پیشنهاد می‌کنند، به قرار زیر:

- اقتصاد برای آرمان ملی، نه اقتصاد برای اقتصاد

- ملی کردن سرمایه و محدودیت سود

- تشکیل بورس سهام ملی، به منظور خرید سهام مؤسسات تولیدی برای کمکهای سرمایه‌ای و فروش آن به خانواده‌ها به منظور بسیج پس‌اندازهای کوچک و انتقال مالکیت وسایل تولید به همه خانواده‌ها

## ۶- دیدگاه پان‌ایرانیست‌ها نسبت به اقلیت‌ها:

پان‌ایرانیست‌ها بر حسب ایرانی بودن یا نبودن اقلیتها تکلیف آنها را مشخص کرده‌اند:

اینان زردشتیان را « ایرانیان پاک و وفادار » می‌دانند و فلات ایران را میهن واقعی آنها معرفی می‌کنند. نسبت به قوم یهود تنفر خاص دارند و نسبت به ارمنی‌ها حساسیت خاصی ندارند و در رابطه با آشوری‌ها نیز با دید اغماض می‌نگرند.

## ۷- دیدگاه پان‌ایرانیست‌ها نسبت به فرهنگ:

پان‌ایرانیست‌ها با توجه به جهان‌بینی‌شان نسبت به فرهنگ توجهی ویژه دارند و فرهنگ را « حاصل خلاقیت یک ملت » و قالب تکامل آن می‌دانند و اساسی‌ترین رسالتی که در این مهم برای خود قایل‌اند حفظ و حمایت و گسترش زبان و فرهنگ فارسی است. در یک کلام این حزب در پی آن است که نیروهای انسانی نژاد ایرانی را برای رسیدن به آرمانها و هدفهای ناسیونالیسم ایران تجهیز نماید. اینان علاوه بر زبان به عناصری مانند آداب و سنن آداب عملی و جشنها و مراسم نوروز و... نیز توجه خاصی دارند.

## مواضع و عملکرد حزب:

### ۱- سیاست منطقه‌ای پان‌ایرانیست‌ها:

سیاست منطقه‌ای پان‌ایرانیست‌ها ملهم از ناسیونالیسم و دیدگاه آن درباره نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران بود و همواره بر این امر تکیه داشت که سرنوشت هیچ یک از تیره‌های نژادی و شاخه‌های فرهنگی نژاد ایرانی از سرنوشت دیگری جدا نیست.

### ۲- پان‌ایرانیست‌ها و کردها:

کردها قومی غیر عرب‌اند که در سرزمین‌های مجاور یکدیگر در کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه پراکنده شده‌اند و زبان و مذهب و آداب و رسوم مشترکی دارند. ایران و ترکیه در اوایل دهه ۷۰ با کردها مشکلی نداشتند ولی ۲ میلیون کرد ساکن شمال عراق با حکومت بغداد در جنگ بودند. آمریکا از دولت عراق که سیاستی افراطی در برابر اسرائیل در پیش گرفته بود و با امضای قرارداد و دوستی و اتحاد ۱۵ ساله با شوروی یکی از پایگاههای اصلی نفوذ مسکو در خاورمیانه به شمار می‌آمد، دل‌خوشی نداشت و ایران نیز که در معرض تحریکات و خرابکاری عوامل عراقی در مناطق جنوبی خود بود از هر کاری که موجب تضعیف حکومت بغداد گردد استقبال می‌کرد. این وحدت‌نظر سبب توافقی پنهانی بین ایران و آمریکا درباره کمک آمریکا به کردهای شمال عراق شد.

از جمله این کمکها اسلحه و مهمات آمریکاییها افتاده بود، زیرا می‌بایست چنین وانمود شود که کردها این سلاحها را در جنگ با نیروهای عراقی به غنیمت گرفته یا از منابع دیگری بدست آوردند. **ملا مصطفی بارزانی** رهبر شورشیان کرد با دریافت این کمکها تشجیع شد و گمان کرد که آمریکا از اصل استقلال کردستان حمایت می‌کند، از این رو در دهم مارس ۱۹۷۵ به هنری کسینجر وزیر خارجه آمریکا نوشت: « **نهضت ما و ملت ما به شیوه‌های غیر قابل تصور نابود می‌گردند و هیچ‌کس به دادمان نمی‌رسد، عالی‌جناب ما معتقدیم که ایالات متحده از لحاظ سیاسی و اخلاقی در قبال ملت ما، که خویشتن را به سیاست کشور شما متعهد ساخته است، مسئول می‌باشد.** »

حتی در جایی دیگر از قول بارزانی نقل شده که گفته بود:

« **من به هیچ قدرت دیگری اعتقاد ندارم؛ اگر آرمان من تحقق یابد، حاضرم کردستان ایالت پنجاه و یکم آمریکا**

بشود. »



کردها سه سال به شدت با نیروهای عراقی جنگیدند و هزاران کشته بر جای گذاشتند. در این دوره، دولت امریکا از طریق سیا، کردها را از مذاکره با دولت مرکزی عراق درباره کسب نوعی خودمختاری بر حذر می داشت و در عین حال مانع از آن هم می شد که کردها به حمله ای تمام عیار همت گمارند. سیاست بر این بود که شورشیان در سطحی که برای خشکاندن منابع کشور عراق کافی باشد به مخالفت خود ادامه دهند. در پی این ماجراها، حزب پان ایرانیست هم به پیروی از سیاستهای شاه وارد معرکه شد و به حمایت از کردها پرداخت. اما شاه در مارس ۱۹۷۵ با عراق به توافق رسید و کردها به حال خود رها شدند و در برابر حملات سنگین ارتش عراق، بعد از توافق، متواری شدند و حمایت پان ایرانیست ها نیز فروکش کرد.

### ۳- قضیه بحرین:

بحرین سالهای بسیاری بخشی از ایران به شمار می آمد و روزگاری نیز نام آن را در مجلس شورای ملی ایران استان چهاردهم ایران گذاشتند. ولی هنگامی که خروج انگلیسیها از شرق کانل سوئز و خلیج فارس فرا رسید؛ سر ویلیام لوس مأمور عالی رتبه وزارت خارجه انگلیس طی چندین سفر به ایران، با برگزاری فراندومی از سوی سازمان ملل در بحرین با دولتمردان ایرانی به توافق رسیدند و مردم به استقلال بحرین رأی دادند که پان ایرانیست ها با این جدایی و همکاری شاهنشاه ایران و بقیه در این جریان مخالفت ورزیدند.

### ۴- پان ایرانیست ها و حزب توده:

یکی از استراتژی های حزب پان ایرانیست، مبارزه با حزب توده بود. از دلایل مهم مقابله این دو حزب اختلاف فکری است که بین جهان بینی آنها وجود دارد؛ توده تفکر مارکسیست کمونیست را پذیرفته بود و ایده جهان وطنی را تبلیغ می کرد که در نتیجه با تفکر ناسیونالیستی حزب پان ایرانیست ها در تضاد بود، که این تضاد فکری به درگیری ها و زدو خورد های خیابانی و آشوبهای زیادی منجر شد.

### ۵- حزب پان ایرانیست و جنبش ملی شدن نفت:

پان ایرانیست ها از دیدگاه ناسیونالیسم حرکت ملی شدن نفت را تجلیل و از آن حمایت می کردند و در این راه همیشه مصدق را یاری می نمودند ولی این همراهی بین پان ایرانیست ها و جبهه ملی به چند دلیل طولی نکشید:

۱- رویه مصدق نسبت به احزابی که از او حمایت می کردند چنان بود که ضمن برخورداری از جانبداری آنان، نگذارد زیاد قدرتمند شوند.

۲- اختلافات ایدئولوژیکی طرفین؛ پان ایرانیست ها دربار و سلطنت را مظهر عظمت ایران می دانستند و قصد تضعیف یا براندازی آن را نداشتند در حالی که اکثر احزاب جبهه ملی به آن اندیشه نمی کردند.

۳- نقش آمریکا و رژیم شاه در ایران؛ که شاه با اتخاذ سیاست جلب همکاری شکافهای متعدد در جنبش پدید آورد و آمریکا نیز از طریق بدامن در این کار شرکت جست.

۴- اقدامات مصدق در مورد تسلط خود بر ارتش و گرفتن مقام وزارت جنگ.